

The Metonymy Role in Non-Verbal Communication of *Beihaqi's History*

Morteza Mohseni¹/ Seyed Esmail Jaefari
Petroudi²

Abstract

Beihaqi as intelligent a writer to create a living history of various techniques, including nonverbal communication is used. He efficient means of nonverbal communication plan to link these practices with the subject's expression of metonymy. Nonverbal communication consists of all nonverbal stimuli in a communication environment by both the source (transmitter) and its use of the environment there and has potential value for the message sender and recipient. So nonverbal communication or message body, as happens when a person with communication channels, affect another person. This may be intentional or unintentional and can be applied to a wide range of phenomena that covers a wide area, from the expression of the face and body pointing to the fashion and status symbols, from dance and drama to play music and mute. In this Essay, after introducing the components of nonverbal communication and the importance of the role of metaphor in relation to the extraction and analysis were discussed. The researcher is that the various components, the physical appearance of the person's social status and position, preparing for work, courage and militancy, dandyism and charm ...and gesture component for supporting and in favor of the person, hate the demotion, showing the power and grandeur, and had the highest frequency.

Keywords: Beihaqi History, Nonverbal Communication, Body Language, Metonymy.

نقش کنایه در ارتباط‌های غیرکلامی تاریخ

بیهقی

مرتضی محسنی^۱/ سید اسماعیل جعفری پتروودی^۲

چکیده

بیهقی به عنوان نویسنده‌ای هوشمند برای آفرینش تاریخی زنده از شگردهای گونه‌گونی از جمله ارتباط غیرکلامی بهره برده است. وی برای طرح مؤثرتر معنا با ارتباط غیرکلامی به پیوند این شیوه با استفاده از دست‌مایه‌های بیانی از جمله کنایه پرداخته است. ارتباط غیرکلامی عبارت است از تمامی محرک‌های غیرکلامی در یک محیط ارتباطی که هم به وسیله منبع (فرستنده) و هم استفاده آن از محیط به وجود می‌آید و دارای ارزش پیامی بالقوه برای فرستنده و گیرنده است. این امر ممکن است عمدی یا غیرعمدی باشد و می‌تواند به دامنه وسیعی از پدیده‌ها اطلاق شود که حوزه گسترده‌ای را در بر می‌گیرد، از بیان چهره‌ای و اشاره اندامی تا مُد و نمادهای وضعیتی، از رقص و نمایش تا موسیقی و لال‌بازی. در این میان انواع کنایه به‌ویژه کنایه مصدری نقش بسزایی در ارتباطات غیرکلامی دارد. در این مقاله، پس از معرفی مؤلفه‌های ارتباط غیرکلامی و اهمیت نقش کنایه در این ارتباط‌ها به استخراج و تحلیل آنها پرداخته شد. دستاورد پژوهش ناظر بر این است که از میان مؤلفه‌های مختلف، مؤلفه اشاره و حرکت به دلیل حمایت و طرفداری از شخص موردنظر، نفرت به علت تنزل مقام، نشان دادن قدرت و ایهت و... بالاترین بسامد و مؤلفه زمان به دلیل عجله و شتاب کمترین بسامد را داشته است.

کلیدواژه‌ها: تاریخ بیهقی، ارتباطات غیرکلامی، زبان بدن، کنایه، اشاره، ظاهر فیزیکی.

۱. دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه مازندران.

Mohseni@umz.ac.ir

۲. دانش‌آموخته کارشناسی ارشد زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه

jafari9066@yahoo.com

مازندران.

1. Associate Professor of Persian Language and Literature, Mazandaran University.

Mohseni@umz.ac.ir

2. M.A. in Persian Language and Literature, Mazandaran University (Corresponding Author).

jafari9066@yahoo.com

مقدمه

تاریخ بیهقی که از شاهکارهای ادب فارسی به شمار می‌رود، از جهت موضوع نمونه‌ای از تاریخ‌نویسی مستند و از حیث انشاء، زیبایی را در سادگی آمیخته است. این اثر هم از لحاظ شیوایی نثر در اوج کمال است و هم از نظر فن تاریخ‌نگاری. توجه به زبان ابوالفضل بیهقی غالباً بنا بر عادت معهود، معطوف به ایجاز مخصوص نویسنده و جملات کوتاه، گهگاه بلند و پرتکرار او و توصیف به عنوان مهم‌ترین ابزار روایت جزئی‌نگر است که به زبان او تپندگی خاصی می‌دهد (گلی‌زاده، ۱۳۹۱: ۲۷۶). ویژگی‌هایی مثل ارتباط کلامی و غیرکلامی، بیان زیبایی‌شناختی، کاربرد لغات، صرف و نحو و ترکیبات و تعبیرات آن در بیان حکایات، رعایت ایجاز و مساوات، دقت زایدالوصف وی در شرح وقایع، دوری از تکلف‌ها و تسجیع‌های ملالت‌آور، سادگی و روان بودن جملات، سبک او را متمایز کرده است. بیهقی در اثر خود علاوه بر استفاده از ویژگی‌های فوق، از نقش کنایه در ارتباطات غیرکلامی برای مؤثر کردن و زنده نگه داشتن اثر خویش استفاده کرده است.

رفتار غیرکلامی دامنه وسیعی از رفتارهای انسانی است که پیام‌های ارتباطی را به وجود می‌آورد. اگر شخص دیگری رفتار را مثل یک پیام تفسیر کند و معنایی به آن نسبت دهد، رفتار غیرکلامی به ارتباط غیرکلامی تبدیل می‌شود. فرد چه تنها یا در حضور شخص دیگری باشد، می‌تواند از رفتار غیرکلامی استفاده کند، اما فقط در حضور فرد یا افراد دیگری که رفتار وی را مثل پیام‌ها تفسیر می‌کنند و معنایی به آن نسبت می‌دهند از ارتباط غیرکلامی استفاده می‌کند.

ارتباط غیرکلامی شامل تمامی جنبه‌های ارتباط

به جز کلمات است که نه تنها شامل ژست‌ها و حرکات بدن می‌شود، بلکه نحوه ادای کلمات را نیز دربرمی‌گیرد. مانند آهنگ ادای کلمات، وقفه‌ها، بلندی صدا و لهجه. این ویژگی‌های غیرکلامی بر معنای کلمات تأثیر می‌گذارند. علاوه بر این، ارتباط غیرکلامی شامل آن دسته از جنبه‌های مؤثر بر محیط که بر تعامل تأثیر می‌گذارند، نیز می‌شود. مانند جواهرآلات و لباس، ظاهر و حالت‌های چهره افراد (وود، ۱۳۷۹: ۲۸۵). مهم‌ترین کارکرد زبان بدن، فرستادن پیام، تنظیم ارتباط، تأکید بر ارتباط کلامی، ابراز حالات عاطفی و نوبت‌گیری در بحث است (وزیرنیا، ۱۳۷۹: ۲۷۰).

سؤال‌های پژوهش

الف) کنایه در کدام یک از مؤلفه‌های ارتباطات غیرکلامی در تاریخ بیهقی کاربرد بیشتری دارد؟
ب) علت بهره‌گیری بیهقی از نقش کنایه در این مؤلفه‌ها چه بوده است؟

پیشینه پژوهش

پژوهش‌های زیادی در زمینه ارتباطات غیرکلامی انجام شده است، اما تعداد پژوهش‌هایی که درباره نقش ارتباطات غیرکلامی در آثار ادبی انجام شده از انگلستان یک دست فراتر نمی‌رود.

حاجتی در پایان‌نامه‌ای با عنوان «ارتباطات غیرکلامی در آثار داستانی مصطفی مستور» (۱۳۸۹)، به بررسی و تحلیل این موضوع پرداخته است. همچنین ایرج رضایی در مقاله‌ای با عنوان «بررسی سبک شخصی فردوسی در شخصیت‌پردازی از طریق

ارتباط شامل تمامی حرکات بدنی، مشخصه-های ظاهری، خصوصیات صدا و نوع استفاده از فضا و فاصله است. از نظر «ریچموند» ارتباط غیرکلامی، اثر یک پیام فردی را به سادگی منتقل می‌کند. نشانه-های غیرکلامی می‌توانند به وسیله واکنش‌های عصبی ذاتی یا رفتارهای اکتسابی در یک فرهنگ ایجاد شوند و از دیگر سو، به شکل زبان‌بدن، اصوات آوایی، فضا و مجاورت، زمان، شامه، عطر و بو، محیط و زیباشناسی، مصنوعات، حرکت و سبک ارتباط‌گر پدیدار شوند (ریچموند، ۱۳۸۸: ۱۸).

ارتباط غیرکلامی که اغلب از طریق بدن و به طور ناآگاهانه صورت می‌گیرد، وسیله‌ای مطمئن برای انتقال پیام از شخصی به شخص دیگر نیست، اما واضح‌تر از زبان شفاهی است. ارتباطات ما با توجه به اشارات غیرکلامی خودمان و دیگران، می‌تواند مؤثر باشد (کول، ۱۳۷۷: ۱۸۶) و زمانی می‌توان آن را مورد تجزیه و تحلیل قرار داد که رفتار گذشته فرد را مورد بررسی قرار دهد یا به اصطلاح هم‌سازی (ارتباط بین الگوهای رفتاری حال و گذشته و هماهنگی میان ارتباطات کلامی و غیرکلامی) کرد (برکو، ۱۳۷۸: ۱۱۹). بیشتر جنبه‌های ارتباط غیرکلامی، وابسته به زبان و فرهنگ هستند و به همان ترتیب که عناصر زبانی فرهنگی فراگرفته می‌شوند، به دست می‌آیند؛ به جز معدودی از رفتارهای غیرکلامی جهانی که به طور عمده در بیان احساسات نقش دارند. مفاهیم فرهنگی اغلب در قالب حرکات بدنی یا حالت‌های مشخصی از صورت شکل می‌گیرد و برحسب ویژگی‌های فرهنگی متغیر هستند. مثلاً رفتار غیرکلامی خاص که

توصیفات اندامی» (۱۳۸۹)، ارتباطات غیرکلامی را مورد بحث و بررسی قرار داد، اما هیچ پژوهشی به «نقش کنایه در ارتباطات غیرکلامی» اشاره‌ای نکرده است.

وحیدیان کامیار در مقاله‌هایی با عنوان «هنر حکیم توس در داستان رستم و اشکبوس» (۱۳۸۷) و «کنایه، نقاشی زبان» (۱۳۷۵) معتقد است که شاعر با کنایه می‌تواند در قالب یک نقاشی یا تصویر با مخاطب ارتباط برقرار کند. حسن بساک (۹۴-۱۳۹۳) نیز در مقاله‌ای با عنوان «تحلیل تصاویر کنایی در تاریخ بیهقی» درباره نقش کنایات در زیبایی بیان بیهقی دبیر پرداخته است.

چارچوب مفهومی

۱. ارتباط غیرکلامی

زبان و اندیشه چنان در هم تنیده شده است که گاه فراموش می‌شود آدمیان در اصل ناگزیر بودند راه گفت‌وگو با یکدیگر را بیاموزند و این ارتباط را با ابداع نمادهای صوتی اختیاری برای سراسر جهان، برقرار کنند. فرض بر این است که فکر نامگذاری برای پدیده‌ها، تحول‌یافته اشکال ارتباطی ساده‌تری مانند ایما و اشاره، حرکات‌های دست و بدن و نوعاً زوزه، خرخر، سوت و جیک‌جیک است که جانوران و پرندگان ادا می‌کنند. ظاهراً این اطمینان وجود دارد که زبان و اندیشه با هم تحول یافته و هرکدام محرک دیگری بوده است. توانایی آدمی در تداوم بخشیدن و گسترش دادن به دانش، قدرت توسعه سریع فرهنگی را در اختیار او قرار داد (آذرنگ، ۱۳۷۱: ۱۱-۱۰).

برای کودکان مناسب است، ممکن است مناسب بزرگسالان نباشد (جهانگیری، ۱۳۷۸: ۲۶).

رفتار غیرکلامی دامنه وسیعی از رفتارهای انسانی است که پیام‌های ارتباطی را به وجود می‌آورد. اگر شخص دیگری رفتار را مثل یک پیام تفسیر کند و معنایی به آن نسبت دهد، رفتار غیرکلامی به ارتباط غیرکلامی تبدیل می‌شود. افراد چه تنها باشند یا در حضور شخص یا اشخاص دیگری باشند که رفتارشان را مثل پیام‌ها تفسیر می‌کنند و معنایی به آن نسبت می‌دهند، از ارتباط غیرکلامی استفاده می‌کنند. برای مثال در سطحی بسیار پیش پا افتاده، وقتی تنها هستیم و خودمان را می‌خارنیم از رفتار غیرکلامی استفاده کرده‌ایم. اگر این کار را در حضور شخص دیگری انجام دهیم و آن شخص این عمل را مانند یک پیام به گونه‌ای تعبیر و تفسیر کند که مثلاً ما عصبی هستیم، از ارتباط کلامی استفاده کرده‌ایم (ریچموند، ۱۳۸۸: ۸۸).

یکی از مهم‌ترین مهارت‌های مکالمه افراد از ناحیه زبان، صورت خارجی پیدا می‌کند که «زبان تن» نامیده می‌شود. با توجه به بررسی‌های صورت گرفته بیش از نیمی از مکالمات رو در روی افراد، غیرکلامی هستند. «زبان تن» قبل از آنکه حرفی زده شود، احساس‌ها و نگرش‌ها را مخابره می‌کند. اغلب کسانی که در مکالمه و گفت‌وگو در شرایط مطلوبی قرار ندارند، متوجه نیستند که حالت بدنشان، مثل دست را به طور ضرب‌دوری روی سینه گذاشتن، برقرار نکردن تماس چشمی و تبسم نکردن، دلیل اصلی ارتباط بد آنهاست. افراد با نخستین علامات و اشاراتی که مخابره می‌کنند، درک می‌شوند و مورد

قضاوت قرار می‌گیرند و ادامه ارتباط آنها بستگی به این اشاره اولیه دارد (گابور، ۱۳۸۹: ۱۳). بنابراین، این قضاوت‌ها و پیام‌ها می‌تواند از طریق ظاهر فیزیکی، اشاره و حرکت، چهره و رفتار چشمی، رفتار آوایی، فضا و بوم‌پایی، بساواپی، محیط و زمان به عنوان مؤلفه‌های ارتباط غیرکلامی صورت بپذیرد یا حتی گاهی این پیام‌های غیرکلامی در قالب شگردهای بلاغی انجام می‌پذیرد که کنایه از جایگاه برجسته‌ای در این میان برخوردار است.

۲. کنایه

یکی از شگردهای ادبی که به انباشت معنا در متن می‌انجامد، کنایه است. کنایه در لغت به معنای پوشیده سخن گفتن است و در اصطلاح سخنی است که دارای دو معنی نزدیک (حقیقی) و دور (مجازی) است که به علاقه لازمیت، می‌شود هم معنی وضعی را اراده کرد و هم معنی کنایی را. علمای علم بلاغت کنایه را ابتدا در مفهوم گسترده به کار بردند، سپس دامنه اطلاق آن را محدودتر ساختند. سکاکی کنایه را آوردن لفظی می‌داند که غرض از آن، لازم معنای دیگر است با جواز اراده آن معنی (سکاکی، ۱۳۱۷ ق: ۸۷۰) که تقریباً تمامی آرای صادرشده درباره کنایه متأثر از این نظر سکاکی است.

کنایه، نقاشی زبان است، چه سخن را تا حد تصویر اعتلا می‌دهد: هم سخن است هم نقاشی. سخن است و دارای مفهوم و پیام و نقاشی است چون می‌تواند مفهوم پیام را نشان دهد (وحیدیان کامیار، ۱۳۷۵: ۵۵). کنایه این توان را دارد که شعر را که هنر شنیداری است، وارد حوزه نقاشی کند که هنری است دیداری (همان: ۶۰). «معمولاً در ارتباط

کول معتقد است که ۵۹ درصد از تأثیراتی که در اولین برخورد به جای می‌گذاریم، شامل وضعیت ظاهری ما یعنی طرز لباس پوشیدن و لوازم شخصی ماست. البته عوامل دیگری که کمتر قابل کنترل هستند، مانند سن، قد و وزن نیز در این تأثیر سهم هستند (کول، ۱۳۷۷: ۱۹۷). البته بعضی از جنبه‌های فرد را کمتر می‌توان تغییر داد، اما در صورت تغییر احتمال رمزبرداری آن از سوی دیگران وجود دارد مثلاً برحسب خصوصیات شخصی (آرژیل، ۱۳۷۸: ۴۲۳). بسیاری از افراد دربارهٔ کسانی که با آنها ملاقات می‌کنند، براساس وضع ظاهری‌شان، طرز لباس پوشیدن‌شان، اینکه آیا در نظر افراد جذابند یا نه و چه اشیایی را برای زینت اعضا و جوارحشان به کار می‌برند یا از چه زیورآلاتی در لباس‌هایشان استفاده می‌کنند، انتظاراتشان را افزایش می‌دهند. بنابراین، می‌توان آن را نوعی از جذابیت فیزیکی دانست که عبارت است از میزان ادراک ما از شخصی دیگر که به علت ویژگی‌های فیزیکی‌اش جذاب به نظر می‌رسد (ریچموند، ۱۳۸۸: ۱۰۶-۱۰۴).

- امیرمحمد از مهد به زیر آمد و بند داشت، با کفش و کلاه ساده و قبای دیبای لعل پوشیده (ص ۶۱).

«بند داشتن» که نوعی از مصنوعات در ظاهر فیزیکی به حساب می‌آید، کنایه از اسیر و گرفتار بودن شخص است که به طور عمد و آن هم برای انتقال پیام غیرکلامی به مخاطب استفاده شد.

- و من اسب تاختن گرفتم...، طیلسان از من جدا شده و من آگاه نه (ص ۲۲۲).

میان یک نقاشی با بینندهٔ همان اثر، سکوت حاکم می‌شود. سکوت توازن مطلق جسم، ذهن و روح و شیوهٔ برخورد و منش مطلوب با زندگی است. بنابراین، نقاشی گرچه سطحی «مستوی» است، اما نشان از دنیای مجازی دارد، ولی همین دنیای مجازی می‌تواند بیان‌کنندهٔ آرمان‌ها، خواسته‌ها و زیبایی‌های یک فرهنگ باشد (گودرزی، ۱۳۸۸).

بیهقی با این شگرد بلاغی هم در تاریخ خود نقاشی کرده و هم توانست با این شگرد کردار و گفتار شخصیت‌های اثرش را در قالب الگوهای رفتار غیرکلامی و زبان بدن توصیف کند. در ادامه به جایگاه کنایه در انواع مؤلفه‌های ارتباطات غیرکلامی در تاریخ بیهقی پرداخته می‌شود. گفتنی است برای پرهیز از آوردن مشخصات کامل چاپ تاریخ بیهقی پس از نقل قول‌ها، تنها به ذکر صفحه بسنده شده است.

تجزیه و تحلیل

۱. ظاهر فیزیکی

اولین پیامی که ما به کسی که با او در ارتباط هستیم، می‌فرستیم، به وسیلهٔ ظاهر فیزیکی‌مان منتقل می‌شود. اگر این پیام به وسیلهٔ شخص دیگری مورد تأیید قرار نگیرد، او نباید انتظار ارتباط بیشتری داشته باشد. ظاهر فیزیکی دارای جنبه‌های بسیاری است که هر یک پیام‌های نهفته‌ای را به وجود می‌آورند. از جمله اندازهٔ بدن، شکل بدن، ویژگی‌های مربوط به صورت، مو، رنگ پوست، قد، وزن و لباس و اشیایی که ما استفاده می‌کنیم. هر یک از این موارد می‌توانند تأثیرات مهمی در ارتباط ما با دیگران داشته باشد (ریچموند، ۱۳۸۸: ۹۷).

- و احمد ینالتگین پیش آمد قبای لعل پوشیده و خدمت کرد (ص ۴۲۰).

«قبا پوشیدن» کنایه از بزرگی و مهم بودن شخصیت احمد است که برای بیان حالت‌های خُلقی خود از آن استفاده کرده است. استفاده از رنگ (سرخ) می‌تواند دلیلی باشد برای جذابیت و شیک-پوشی وی. پیام غیرکلامی حاصل از این جمله نیز هم از نوع لباس و هم از نوع رنگ لباس است.

- و امیر ماتم داشتن بیسیجید و دیگر روز که بار داد با دستار و قبا بود سپید (ص ۴۴۱).

«سپید پوشیدن» در اینجا کنایه از عزادار بودن امیر است؛ زیرا در گذشته رسم بر این بوده است که در مراسم عزا و ماتم از رنگ سپید استفاده می‌کردند. - سر برهنه پیش امیر آوردن (ص ۱۱۱۱).

«سر برهنه آوردن» کنایه از برای مجازات آوردن است، چه اسیران را بی‌کلاه و پوشش به حضور سلطان می‌آوردند. بنابراین، در این عبارت «سر برهنه» می‌تواند کنایه از خطاکاری این افراد نیز باشد که به عنوان پیام غیرکلامی به شکل ظاهری برای مخاطب رمزگذاری شده است.

۲. اشاره و حرکت

افراد در برخوردهای اجتماعی خود، از حرکات بدنی بسیار زیادی استفاده می‌کنند، هر چند حرکات دست از همه گویاتر است. ژست‌ها معمولاً به معنی حرکت ارادی بدن به وسیله دست‌ها، سرها یا سایر بخش‌های بدن به منظور انتقال اطلاعات است (آرژیل، ۱۳۷۸: ۳۴۷). کاربرد ژست بر کارایی انواعی از اطلاع‌رسانی می‌افزاید و کسانی که توان کلامی

«طیلسان» را می‌توان از لباس‌های متحدالشکل برای خطیبان و قاضیان دانست که برای مشخص کردن موقعیت اجتماعی خودشان به طور آگاهانه از آن استفاده می‌کردند. در واقع، آنها با این ظاهر فیزیکی «تصویری از خود» را به مخاطب القا می‌کردند. بدین ترتیب، «طیلسان پوشیدن» کنایه از جایگاه دیوانی و اجتماعی داشتن است، اما جدا شدن طیلسان از سوار بر شتاب در تاخت او ناظر است.

- چه عمر من [بیهقی] به شصت و پنج آمده و بر اثر وی (بوسهل) بباید رفت (ص ۲۲۹).

عمر به ۶۵ آمدن کنایه از پیری است، اما بیهقی با ذکر ۶۵ خواست وضعیت ظاهری خود را از جمله پیری (چین و چروک صورت، رنگ مو، افتادگی پلک و...) به صورت کنایی بنمایاند و خود را به «گزارش منصفانه و صادقانه» ملزم کند.

- دیگر روز... هزاهزی سخت بود و مردم ساخته بر اثر یکدیگر می‌رفتند (ص ۲۷۹).

«ساخته» کنایه از آماده و صاحب تجهیزات جنگی است. این ظاهر فیزیکی می‌تواند به عنوان پیامی غیرکلامی برای دیگران رمزگذاری شده باشد که به صورت کنایی، توصیفی است از آمادگی این افراد برای جنگ.

- و بر اثر ایشان صد و سی غلام سلطانی بیشتر خط آورده که... (ص ۴۲۰).

«خط آوردن» کنایه از موی تازه رسته صورت است که بیان‌کننده سن کم غلامان است. نویسنده در این جمله به صورت کنایی خواسته است تا نوجوان بودن غلامان را که دال بر زیبایی آنان است، به مخاطب القا کند.

شد و با توجه به شرایط فرهنگی حاکم بر آن دوره کنایه از سفر پادشاه است؛ چراکه سرای پرده (چادر شاهی) را به آن سمت که پادشاه قصد سفر داشت، برمی‌افراشتند.

- و بار دادند و اعیان و بزرگان لشکر در پیش او بنشستند و بایستادند (ص ۱۷).

«نشستن و ایستادن» از علامت‌هایی است که کنایه از جایگاه افراد درباری است. این نوع علامت-ها که به صورت آگاهانه انجام می‌پذیرد، بازتاب فرهنگ رایج آن دوره است. بدین معنی که برخی از بزرگان در مجلس پادشاه اجازه نشستن و عده‌ای هم که رتبه پایین‌تری داشتند، تنها می‌توانستند در مجلس شاهانه بایستند.

- حسن سلیمان بر پای خواست و زمین بوسه داد (ص ۲۰).

مصدر کنایی «زمین بوسیدن» به عنوان یکی از رسم‌های رایج درباری در بردارنده پیام غیرکلامی احترام و ادب به عنوان یک وظیفه و آن هم به شکل خواست و عمد است که از طرف شخص انجام می‌پذیرفت.

«برخاستن و زمین بوسه دادن» را می‌توان از حالت‌های نمایشی تأثیرگذار دانست که حسن سلیمان عامدانه و برای بیان احساسات و عواطف درونی خود استفاده کرده است یا می‌توان گفت که وی با این حرکات، گفته‌های خود را تقویت و پیام‌های کلامی و غیرکلامی خود را مکمل و مقوم هم‌دیگر قرار داده است. نکته دیگری که در این جمله به ذهن متبادر می‌شود، این است که بوسه بر زمین زدن معمولاً با حرکت چشمی همراه است.

- عنان به عنان با کسی رفتن (ص ۲۸).

قوی‌تری دارند، بیشتر از سایرین از ژست‌ها استفاده می‌کنند (همان: ۳۷۱).

اشاره‌ها و حرکات بدن اغلب احساس واقعی فرد را که در پس کلمات اوست انتقال می‌دهند. موقعیتی که اشاره و حرکت بدن در آن به کار می‌روند، اغلب معنای نهفته در اشاره را تعیین می‌کند. افراد از طریق حرکات بدنی خود می‌توانند احساساتشان را انتقال دهند، کلمات اداشده را تقویت و بر روی آن تأکید ورزیدند و حتی گاهی اوقات آنچه را می‌گویند، نقض کنند. «زبان بدن هم مانند زبان شامل کلمات، جملات و اعراب‌گذاری است. هر حرکتی به تنهایی یک کلمه است و کلمات می‌توانند معانی متفاوت و زیادی داشته باشند و معنی صحیح کلمه نیز فقط در محتوای تمام جمله به دست می‌آید (پیس، ۱۳۸۶: ۲۳).

در واقع، می‌توان گفت که «بیش از ۴۱ درصد از تأثیر اولین برخورد را اشارات غیرکلامی مشخص می‌کند. نوع اشارات غیرکلامی در اولین برخورد، محبوبیت و تخصص ما را نزد سایرین رقم می‌زند و باعث جلب توجه و علاقه دیگران نسبت به ما می‌شود (کول، ۱۳۷۷: ۱۹۸). مطالعه حرکت بدن عبارت است از مطالعه تأثیر ارتباطی حرکت و اشاره بدن. رفتار جنبشی شامل کلیه اشاره‌ها، حرکات سر، حالت و حرکات بدن، بازوها، پاها، دست‌ها و انگشتان و... می‌شود (ریچموند، ۱۳۸۸: ۱۵۷).

- و فراشان سرای پرده بیرون بردند (ص ۱۱).

«سرای پرده بیرون بردن» به عنوان یک علامت می‌تواند برگردانی از پیام کلامی باشد که از روی قصد و آگاهانه و متوجه ساختن دیگران به کار گرفته

خود، نوعی انگیزه برای ادامه جنگ در لشکر خود ایجاد کرده است تا دشمن را شکست دهند.

- [امام] رضا، رَوْحَهُ اللهُ، دست راست را بیرون کرد تا بیعت کند (ص ۱۹۱).

در این عبارت «بیرون کردن دست راست»، کنایه از اعتماد به طرف مقابل برای گرفتن بیعت است که معمولاً با دست راست و کاملاً عمدی به نشانه ایمان و اعتماد موثق صورت می‌گیرد.

- چون افشین این سخن بشنید، لرزه بر اندام او افتاد (ص ۲۲۴).

مصدر کنایی «لرزه بر اندام افتادن» را می‌توان نوعی از تنظیم‌کننده‌ها دانست که در این جمله در واکنش به اضطراب و ترس و دلهره صورت گرفته و معمولاً کنشی است غیرعمدی که به طور ناخودآگاه در افشین ایجاد شده است.

- [حسنک] برهنه با ازار بایستاد و دست‌ها در هم زده (ص ۲۲۴).

مصدر کنایی «دست در هم زدن» حرکتی از نوع تنظیم‌کننده‌هاست؛ بدین معنی که رفتاری غیرعمدی است و در اینجا در واکنش به اضطراب و درماندگی از سوی حسنک صورت گرفته یا می‌توان آن را رفتاری دانست که بر اثر تأثیرات اجتماعی و محیطی رخ داده است. حسنک با این رفتار نوعی حالت دفاعی در برابر پیام‌های کلامی دیگران به خود گرفته است.

- خردمندان... سری می‌جنبانیدندی... که وی [بوسهل] گزافه‌گویی است (ص ۲۲۷).

مصدر کنایی «سر جنبانیدن» به معنای تأیید کردن است، اما در اینجا با توجه به فحوای کلام و همچنین واژه «گزافه‌گویی» نوعی تمسخر به حساب

کنایه از نوعی علاقه و همدلی است که به عنوان یکی از حالت‌های نمایشی تأثیرگذار صورت می‌پذیرفت.

- اعیان نیشابور قربان‌ها کردند و صدقه دادند (ص ۳۶).

مصدر کنایی «قربانی کردن و صدقه دادن» بیان‌کننده نوعی از علامت است که معمولاً به طور آگاهانه برای بیان کنشی فرهنگی در جوامع اسلامی است که بعد از رفع حاجات یا دفع خطر صورت می‌گیرد. بنابراین، می‌توان آن را کنایه از برآورده شدن یا برآورنده حاجات دانست.

- نگفتم که این ملک چون مستوفزی بود و روی به بلخ داشت (ص ۷۹).

«مستوفز» به معنای «نیم‌خیز» است که به صورت کنایی به کار رفته است و می‌تواند علامتی باشد برای شتاب و عجله در کار و بی‌قراری.

- و آن بود که غوریان در رمیدند و هزیمت شدند و آویزان آویزان می‌رفتند تا... (ص ۱۷۰).

«آویزان آویزان رفتن» را می‌توان از نوع تنظیم‌کننده‌هایی دانست که معمولاً غیرعمدی صورت می‌گیرد و واکنشی کنایی است حاصل همان شکست که به رمیدن و گریختن می‌انجامد.

- و امیر... خوش خوش بر اثر آن می‌راند (ص ۱۷۱).

«خوش خوش راندن» کنایه از آرامش خاطر و دلهره نداشتن است و می‌توان آن را نشانه‌ای دانست که امیر برای تأثیرگذاری بر لشکر و جرأت بخشیدن به آنها با توجه به شرایط جنگ کاملاً آگاهانه از این حرکت استفاده کرده است. به عبارت دیگر، امیر به عنوان فرستنده پیام با تحت کنترل گرفتن حرکات

و جلّادش استوار ببست و رسن‌ها فرود آورد (ص ۲۳۵).

اشاره و حرکات در فعل‌های ذکرشده به صورت کنایی، پیام غیرکلامی را با فضای خشونت همراه با ایجاد ترس، غم، اندوه، ناامیدی و حتی مرگ شخص به مخاطب القاء می‌کند.

- قائد بانگ بر او زد و دست به قراچولی کرد... (ص ۴۵۹).

مصدر کنایی «دست به قراچولی (نوعی شمشیر) کردن» را می‌توان علامتی دانست برای تهدید کردن که معمولاً نسبت به سایر ارتباطات غیرکلامی همراه است با ارتباط کلامی (بانگ زدن) که کاملاً آگاهانه صورت گرفته است.

- و شنودم که به خلوت‌ها استخفاف کردند و کلاه‌های دو شاخ را به پای بینداختند (ص ۷۱۶).

«کلاه دو شاخ» نوعی از خلعت است و مصدر کنایی «به پای انداختن» را می‌توان نوعی از علامت دانست که از سر برداشتن و برای اهانت به زمین انداختن. این حرکت که واکنشی عمدی از سوی عامل است، می‌تواند در پاسخ به کاری باشد که باب میل وی نبوده و از این پیام غیرکلامی به جای اعتراض استفاده کرده است.

- آلتونناش سلاح می‌پوشید و کمر می‌بست (ص ۱۱۱۲).

مصدر کنایی «سلاح پوشیدن و کمر بستن» علامتی است برای آماده‌ی جنگ شدن که کاملاً آگاهانه این کنش توسط فرستنده پیام غیرکلامی صورت گرفته است.

می‌آید یا حتی تأیید کردن گفته‌های وی برخلاف رضایت قلبی است.

- از جای شدن (ص ۲۲۹).

زبان بدن این عبارت نوعی از حالت‌های نمایشی است که مفهوم کنایی آن عصبانی شدن است و می‌تواند مکمل و تقویت‌کننده احساسات عامل این پیام غیرکلامی هم باشد.

- بوسهل زوزنی بر خشم خود طاقت نداشت، برخاست نه تمام (ص ۲۲۹).

مصدر کنایی «ناتمام برخاستن» بیان‌کننده بروز احساسات توأم با نفرتی است که بوسهل برای احترام کاذب استفاده کرده است و همچنین می‌تواند مبین دشمنی بوسهل با حسنک به عنوان یک پیام غیرکلامی باشد. این ژست جزئی از خودنمایی‌های عمدی برای بیان احساسات کاذب اوست. از سوی دیگر، برخاستن ناتمام بوسهل بر هم‌نوا شدن با جمع به‌رغم میل باطنی او ناظر است.

- حسنک را فرمودند که جامه بیرون کش. وی دست اندر زیر کرد و ازاربند استوار کرد و پایچه‌های ازار را ببست و جبه و پیراهن بکشید و دور انداخت با دستار (ص ۲۳۴).

این حرکات، حرکاتی اجباری است که حسنک بعضی از آنها را به نشانه اطاعت و بعضی دیگر را به نشانه اعتراض انجام داده است. این فضای توصیف‌شده را می‌توان کنایه از آماده شدن حسنک برای بالای دار رفتن دانست.

- سواران سوی عامه تاختند و آن شور بنشانند و حسنک را سوی دار بردند و به جایگاه رسانیدند، بر مرکبی که هرگز ننشسته بود، بنشانند

۳. چهره و رفتار چشمی

اصلی‌ترین دلیل اهمیت چهره در ارتباطات انسانی عبارت است از اینکه معمولاً این بخش از بدن حین تعامل، قابل رؤیت است (ریچموند، ۱۳۸۸: ۱۹۱). چهره گویاترین کانال ابراز عواطف است و این عواطف را می‌توان بر حسب جنبه‌هایی همچون خوشایندبودن یا ناخوشایندبودن و سطح برانگیختگی تقسیم‌بندی کرد. با این همه برون‌فکنی‌های چهره نیز در انواع مجزاً جای دارد، مثلاً در شادی، غم، شگفتی، خشم و... (آرژیل، ۱۳۷۸: ۱۳۸). گاه چهره به طور همزمان بیش از یک احساس را به نمایش می‌گذارد که آن را «آمیزه» می‌خوانند، حالتی که در آن برون‌فکنی‌های مختلف در بخش‌های مختلف چهره ظاهر می‌شود. حالت چهره اغلب سرنخی از وضعیت عاطفی دائمی در فرد شمرده می‌شود که می‌توان عمداً از آن برای ایجاد تأثیر خاص استفاده کرد (همان: ۲۵۵-۲۴۴).

تماس چشمی می‌تواند یک وسیله قدرتمند در برقراری روابط اجتماعی باشد. چشم و تأثیر آن بر افراد از قدیم‌الایام مورد توجه انسان‌ها بوده است. نام‌گذاری‌هایی مثل «نگاه خانمان برانداز، نگاه هشداردهنده، چشم شور، چشمان خمار، برق چشم‌ها و...» نشان می‌دهد که افراد به طور ناخودآگاه متوجه اندازه مردمک‌ها و حالات نگاه دیگران می‌شوند. هت در کتاب خود با عنوان *چشمان رسواگر* می‌نویسد که چشم‌ها روشن‌ترین و واضح‌ترین پیام‌های انسانی را انتقال می‌دهند؛ چراکه همیشه در نقطه دید قرار دارند و مردمک‌ها آزادانه عمل می‌کنند (پیس، ۱۳۸۶: ۱۵۷). معانی بسیاری در تماس چشمی وجود دارد که در هر فرهنگی برای

خود حائز اعتبار و اهمیت ویژه‌ای است. مطالعه درباره‌ی تماس چشمی را در ارتباطات، «ارتباط بصری یا ارتباطات چشمی» می‌نامند (دیمیک، ۱۳۸۵: ۵۷).
- [محمد] برخواند و لختی تاریکی در وی پدید آمد (ص ۹).

بیهقی برای اینکه حالت چهره محمد را به شکل ادبی بیان کند و توانسته باشد تا از ارتباط غیرکلامی با مخاطب خود به بهترین نحو سود جوید از کنایه استفاده کرده و می‌تواند بیان‌کننده ترس و اندوه امیر محمد باشد که از طریق چهره به عنوان گویاترین کانال ابراز عواطف انجام پذیرفته است.
- زهر خنده زدن (ص ۴۶).

کانال چهره‌ای رمزگذاری شده در این عبارت را می‌توان نوعی از «آمیزه» دانست. بدین معنی که شخص برای ابراز حالت‌های درونی خود دو جنبه خوشایند و ناخوشایند بودن را در نظر گرفته و برون‌فکنی‌های مختلف را از چهره انجام داده است. «خنده» که مبین شادی است با توجه به واژه «زهر» می‌توان آن را به صورت کنایه خنده‌ای از روی خشم دانست که فرد به طور غیرمستقیم از موقعیت پیش‌آمده ابراز ناراحتی می‌کند.

- امیر پوشیده نگاه کرد، هیچ چیز نگفت (ص ۱۷۸).

کنایه مصدری «پوشیده نگاه کردن» پنهانی و آگاهانه و دزدانه دیدن است.

- چشم بر کسی ماندن (ص ۴۰۲).
این نگاه از نوع «خیره نگریستن» است که فرستنده هوش و حواس و تمرکز خود را بر روی دیگری گذاشته و اغلب نگاهی سخت و طولانی است. این نگاه کنایه از نوعی هتک حرمت و بی-

شود. مثلاً در کنایه چیزی گفته می‌شود، اما چیز دیگری انتقال می‌یابد. وقتی کلام ما چیزی می‌گوید و نشانه‌های آوایی مخالف آن را می‌گوید، کنایه‌آمیز صحبت کرده‌ایم. کنایه رفتاری است که ما برای برقراری ارتباط آن را می‌آموزیم (همان: ۲۳۶-۲۳۵).

لحن‌های گفتار، هم به عنوان بخشی از ارتباط کلامی شمرده می‌شود و هم به عنوان بخشی از ارتباط غیرکلامی (دیمیک، ۱۳۸۵: ۵۳). بنابراین، می‌توان گفت که «کلمات به تنهایی دارای اهمیت هستند، با این حال فقط بخش ناچیزی از پیام دریافت شده را تشکیل می‌دهند. چگونگی ادای آن کلمات یعنی لحن صدا، زیر و بمی و درجه صدا، سرعت ادای کلمات و تأکید و فشار بر روی آن کلمات همگی در برقراری ارتباط از اهمیت بسیاری برخوردارند. این عوامل نه تنها بر روی پیامی که نهایتاً دریافت می‌شود، تأثیر می‌گذارند، بلکه بر روی نخستین برداشت دیگران از گوینده بسیار مؤثر هستند» (کول، ۱۳۷۷: ۱۹).

- و بهانه خردمندان که زبان فرا این محتشم، بزرگ توانستند کرد آن بود که... (ص ۵۰).

مصدر کنایی «زبان فرا کسی بزرگ کردن» به معنای اعتراض و از نوع وابسته‌های آوایی است. اعتراض کردن که نوعی از پیام کلامی است معمولاً با شدت و بلندی صدا همراه است و بیان‌کننده خشم و عصبانیت است.

- و پدریان را نیک از آن در می‌آمد و می‌ژکیدند و آخر بیفکندندش (ص ۵۲).

«ژکیدن» به معنای غرغرکردن است از نوع مشخص‌کننده آوایی و در این عبارت اختلاف نظر و

احترامی شمرده می‌شود که پیام غیرکلامی غیرمؤدبانه را رمزگذاری می‌کند.

- روی سرخش زرد شد و با وی چیزی نگفت (ص ۹۷۹).

در این جمله هم سرخی و هم زردی صورت از حالت‌های چهره‌ای شمرده می‌شود. سرخی کنایه از شادبودن و بی‌دغدغه بودن فرد است، اما زردی کنایه از ترس و اضطراب فرستنده پیام است که به عنوان جنبه ناخوشایند کانال چهره‌ای برای بیان احساس درونی و آن هم به طور ناخواسته نمود پیدا کرده است.

۴. رفتار آوایی

مطالعه جنبه‌های ارتباطی صدا، ارتباط آوایی یا مطالعه زبان آوایی یا پیرازبان نامیده می‌شود. ویژگی‌های صدا و کاربردهای آن بر این موضوع که چگونه پیام‌های کلامی دریافت می‌شوند، تأثیر عمده‌ای می‌گذارند. برخی از محققان بر این باورند که بیشترین معنی در ارتباطات میان‌فردی با پیام‌های آوایی تحریک می‌شوند تا پیام‌های کلامی (ریچموند، ۱۳۸۸: ۹۸). آرچر و بسیاری از پژوهشگران آوایی معتقدند که در یک رابطه، اغلب نحوه بیان، مفهوم واقعی را می‌رساند و نه آنچه که گفته می‌شود. در بسیاری از مواقع کل معنی کلام گوینده با نحوه بیان او مشخص می‌شود. در یک بررسی مشخص شد که در یک تعامل تنها ۷ درصد معنی پیام از طریق محتوای گفتار کلامی منتقل می‌شود و ۳۸ درصد از طریق سایر نشانه‌های آوایی انتقال می‌یابد. زبان آوایی کلیه نشانه‌های دهانی به جز خود کلمات، در مجرای گفتاری را شامل می‌-

سلیقه فرستنده از شخص مورد نظر را به صورت کنایی می‌رساند.

- چون رسولان بدان مغروران رسیدند و پیغام بگزارند، بسیار اُشْتَلُم کردند و گفتند... (ص ۱۶۹).

«اُشْتَلَم کردن» به معنای لاف زدن است که با تندی و بانگ و فریاد همراه است. بنابراین، می‌توان آن را با کیفیت صدا همراه دانست که کنایه از خودنمایی است.

- چون بر آن [سوگند نامه] واقف گشتم... نیک بترسیدم از سطوتِ محمودی و خشک بماندم (ص ۱۸۶).

مصدر کنایی «خشک ماندن» را به عنوان پیام غیرکلامی، می‌توان نوعی از سکوت دانست که با توجه به شرایط، اطلاعات زیادی از احساسات فرد را مخابره می‌کند که در این عبارت مبین ترس و اضطراب است.

- چون به خادم رسیدم، به حالی بودم عرق بر من نشسته و دم بر من چیره شده (ص ۲۲۴).

«دم بر کسی چیره شدن» را می‌توان به معنای «نفس نفس زدن» دانست که از نوع مشخص‌کننده آوایی یا همان آواهای غیرزبانی و کنایه از خستگی فرد است.

- و خردمندان... پوشیده خنده می‌زدندی که وی گزافه‌گویی است (ص ۲۲۷).

بیهقی از پیرازبان «پوشیده خنده زدن» که در واقع همان مشخص‌کننده آوایی مربوط به واژه‌های غیرزبانی است، استفاده کرده که کنایه از نوعی تمسخر بر گفته‌های بیهوده بوسهل است.

- حسنگ... لب می‌جنبانید و چیزی می‌خواند تا خودی فراخ‌تر آوردند (ص ۲۳۴).

کنایه مصدری «لب جنبانیدن» (زمزمه کردن) از پیرازبان‌هایی است که می‌تواند نشانه احساسات حسنگ از قبیل غم و ناراحتی، ترس از موقعیت بردار شدن و... باشد.

- خواجه احمد حسن... قومی را می‌گرفت و مردمان او را می‌خاییدند (ص ۴۹۸).

«می‌خاییدند» به معنای انتقاد کردن و بد گفتن است که خشم و عصبانیت فرستنده را به صورت کنایی بیان می‌کند و معمولاً با شدت و بلندی صدا از سوی فرستنده همراه است.

۵. فضا و بوم‌پایی (قلمروجویی)

«هال» به مطالعات مربوط به فضا و فاصله، اصطلاح «هم‌جواری» نهاده است و آن را فاصله میان دو یا چند نفر در ارتباطات اجتماعی می‌داند. دانشمندان علوم اجتماعی در این زمینه معیار فاصله اجتماعی را به کار می‌گیرند و از طریق آن فاصله حاکم بر روابط افراد را اندازه‌گیری می‌کنند که دوست داشتن یا تنفر از هم را می‌رساند. «هال» یک قدم فراتر می‌نهد و سخن از فاصله میان اشخاص دارد. وی می‌گوید: در طبیعت انسان رفتاری وجود دارد که ما آن را «بوم-پایی یا قلمروجویی» می‌نامیم. برای به تحقق رساندن این رفتار، آنها این احساس را این گونه به کار می‌گیرند که فاصله خود را با دیگران تنظیم و جایی را برای خود معین و آن دیگری را در ورای آن تصور کنند. البته فاصله ویژه‌ای را که انتخاب می‌کنند بستگی به تبادل آنها با دیگران، یعنی رابطه‌ای از کنش متقابل افراد و احساس و عملکرد آنها دارد (فرهنگی، ۱۳۷۴: ۲۷۸).

ارتباط دارد نه با جهت سر یا چشم‌ها. با این وجود جهت‌یابی را می‌توان بخشی از ارتباط غیرکلامی دانست، به شرطی که اجباری در کار نباشد و فرد آزادانه آن را اختیار کند. بنابراین، می‌توان گفت که جهت‌یابی از سرخ‌های انتخابی صمیمیت است که در موقعیت‌های گوناگون ترکیبات مختلفی از آنها انتخاب می‌شود (آرژیل، ۱۳۷۸: ۳۱۷-۳۱۶).

- حاجب بر پای خواست و روی سوی حضرت کرد و زمین بوسه داد (ص ۹).
«جهت‌گیری» ای که حاجب در این جمله به سمت حضرت (پایتخت) انجام داده بود، آگاهانه و براساس اختیار صورت گرفته که کنایه از علاقه و اعتقاد وی به خاندان غزنوی است.

- خلیفه شهر را فرمود داری زدن بر کرانِ مصلای بلخ... و خلق روی آنجا نهاده بودند (ص ۲۳۳).

این «جهت‌گیری» و رفتار آگاهانه کنایه از علت کنجکاوی مردم و کسب خبر از اتفاقات غریب-الوقوع بود.

۶. بساوایی (لمس و تماس بدنی)

حس بساوایی و نیروی آن به قدمت زندگی انسانی است. از زمانی که انسان پای به هستی نهاده و تاریخ خود را به خاطر آورده، این نیرو در او تحوّل ایجاد کرده و او را برانگیخته است. پژوهشگران ارتباطات اجتماعی نیز کم‌کم به اهمیت آن وقوف یافته و امروزه آن را یکی از گداهای برجسته ارتباطی می‌دانند. لمس طرف مقابل ارتباط، نشان‌دهنده میزان صمیمیت با اوست. هر اندازه فراگرد ارتباطی با یک نفر به سوی صمیمیت و خصوصی شدن می‌رود، از

- مرا تنها پیش خواند و سخت نزدیکم داشت (ص ۵۸).

فاصله‌ای که در اینجا میان دو نفر اتفاق افتاده است را می‌توان از نوع فاصله صمیمی دانست. این فاصله با توجه به واژه «تنها» می‌تواند کنایه از این باشد که شخص برای بیان گفته‌هایی که دیگران را صلاح به دانستن آن نمی‌دانسته با فرد مورد علاقه و آن هم با اختیار خود در میان گذاشته است.

- بر دست راست و دست چپ نشاندن (ص ۲۳۱).

در دو طرف وزیر نشستن کنایه از قدر و منزلت افراد یا حتی علاقه و صمیمیت آنان نسبت به همدیگر است. کنایه مصدری «در دست چپ یا راست نشستن» می‌تواند این پیام غیرکلامی را مخابره کند که معمولاً شخصی که از احترام بیشتری برخوردار است در سمت راست و آنکه از احترام و صمیمیت کمتری نسبت به دیگری برخوردار است، در سمت چپ می‌نشیند.

- عبدوس دست بدو داد و وفا ضمان کرد و وی را پذیرفت و در آگوش گرفت (ص ۲۸۲).

فضایی که در این جمله اتفاق افتاده از نوع صمیمی است که طرفین قادرند همدیگر را لمس کنند، البته با توجه به اینکه لمس اتفاق افتاده است طرفین نمی‌توانند با کانال نگاه به شکل مطلوب با همدیگر ارتباط غیرکلامی داشته باشند. بنابراین، می‌توان گفت که استفاده از این پیام غیرکلامی کنایه از علاقه و احترام فرستنده و گیرنده نسبت به همدیگر است.

۱-۵. جهت‌گیری

جهت‌گیری زاویه‌ای است که در آن شخص رویش را به دیگری می‌کند. این زاویه با جهت‌یابی بدن

این نوع تماس را به عنوان ابراز نگرش فرد (فرستنده) نسبت به دیگری (گیرنده) برشمرد. - [خضر] گفت: دست مرا ده و عهد کن. دست بدو دادم و پیمان کردم، دستم نیک بیفشرد (ص ۲۴۹).

«دست فشردن» را می‌توان نوعی تماس بدنی دوستانه و صمیمی تصور کرد که مفهوم کنایی ارتباط طرفین با یکدیگر را می‌رساند. اما رمز «دست دادن» منحصر به همان عهد و پیمانی است که بین طرفین بسته شده است.

- و حاجب بونصر بازوی رسول گرفت، وی را از بین صفه نزدیک تخت آورد و بنشاند (ص ۵۰۶). در جمله بالا مصدر کنایی «بازو گرفتن» را می‌توان نشانه بالا بودن جایگاه اجتماعی طرف مقابل دانست که فرستندگان آن برای ابراز علاقه و احساسات خود از این مؤلفه غیرکلامی استفاده کردند.

۷. محیط

حال، محیط را فضایی ثابت یا جابه‌جانشدنی معرفی می‌کند. مانند ویژگی‌های فیزیکی خانه‌ها، اداره‌ها و... تغییر دادن، حرکت دادن یا اصلاح کردن فضای ثابت کاری بس دشوار است؛ در حالی که برای فضای نیمه‌ثابت یا اشیای قابل حمل، بسیار آسان است. محیط فیزیکی به روش‌های گوناگونی ادراک می‌شود. ادراک محیط‌های تعاملی بر رفتارهای ارتباطی فرد تأثیر می‌گذارد. فرد محیط اطرافش را طوری تزئین می‌کند که عمداً ادراک خاصی را در افرادی که از این محیط‌ها استفاده می‌کنند، به وجود بیاورد (ریچموند، ۱۳۸۸: ۳۲۳ و ۳۲۵).

لمس بیشتر استفاده می‌شود. هر فرهنگ لمس کردن را تا حدی مجاز دانسته است و مردم آن جامعه از رمز بساواپی در ارتباطات اجتماعی استفاده می‌کنند. «پژوهش‌های ارتباطات بین اشخاص در مورد لمس افراد در مناظر عمومی بیان‌کننده این واقعیت است که این عمل به پایگاه اجتماعی از جهات مختلف مانند پایگاه اجتماعی - اقتصادی، سن، نژاد و جنس بستگی دارد. افراد با جایگاه اجتماعی و اقتصادی پایین‌تر در بیشتر جوامع به خود جرأت نمی‌دهند که اشخاص مربوط به جایگاه اجتماعی بالاتر را لمس کنند. همین وضع در مورد مردان و زنان در مقابل هم وجود دارد» (فرهنگی، ۱۳۷۴: ۳۰۷ - ۳۰۵).

- چون به صفه رسید، سی غلام... او را بگرفتند و قبا و کلاه و موزه از وی جدا کردند (ص ۴۹).

«گرفتن» در این جمله را می‌توان کنایه از خشونت و خصومت دانست که به شکل تماس بدنی رمزگذاری شده است. این رفتار ستیزه‌جویانه در حالت پرخاشگری انجام شده و شخص به صورت غیرکلامی قدرت فیزیکی خود را به رخ حریف می‌کشد.

- خواجه وی را در کنار گرفت و بوسه بر روی وی زد (ص ۲۱۹).

- حصیری دست خواجه بوسه داد (ص ۲۱۹). در قسمت بالا مصدر کنایی «بوسه دادن» را می‌توان نوعی از علاقه و صمیمیت فرستنده نسبت به گیرنده دانست. البته در نظام درباری این نوع لمس نشانه پایین بودن جایگاه اجتماعی فرستنده نسبت به گیرنده بوده و فرستنده را مجاب به رمزگذاری این نوع پیام کرده است. بنابراین، می‌توان

در این چند جمله نویسنده با توصیفات ماهرانه، ویژگی‌های طبیعی و محیطی را بیان کرده و به صورت کنایی در جمله اول از روزگار خوش محمودی، در جمله دوم از توصیفات جوئی و در جمله سوم از طبیعت بهاری سخن گفته است.

۸. زمان

در فراگرد ارتباطی، زمان نیز مؤثر است. وقتی افراد از به‌کارگیری زمان در ارتباطات خود با دیگران سخن می‌گویند، از نظر علم ارتباطات، آنان به زمان و ارتباطات پرداخته‌اند. زمان و نوع ارتباط و درجه صمیمیت با طرف مقابل و رسمی بودن رابطه، وضع ارتباطی ما را با دیگری روشن می‌کند. یک تأخیر چشمگیر و خارج از معیارهای متداول در مجلس که از حد ادب و نزاکت فراتر می‌رود، می‌تواند پیامدهای ناگواری به همراه داشته باشد. «مفهوم این نکته که چه چیز «دیر» است یا «زود» در فضاهای فرهنگی معانی ویژه دارد. هر فرهنگ نسبت به زمان، نگرش خاص خود را دارد که نسبت به فرهنگ‌های دیگر یقیناً متفاوت و متمایز است و نمی‌توان در فرهنگ‌های متفاوت آنها را یکسان در نظر گرفت. طبیعی است که رفتار انسان‌ها نیز در این موارد با یکدیگر متفاوت است» (فرهنگی، ۱۳۷۴: ۲۸۶-۲۸۵).

- و گفته‌اند که از بهر تسکین وقت راه، امیرمحمد را به غزنین خوانده آمد تا... (ص ۱۶).
در این جمله زمان از نوع غیررسمی است؛ چراکه مفهوم دقیق را به ذهن القا نمی‌کند. تعبیر دیگری که می‌توان درباره غیررسمی بودن آن داشت، این است که می‌توان آن را کنایه از نشان دادن امیرمحمد

- [حسن] مثال داد... سه پایه‌ها بر زدند و سرها را بر آن بنهادند... (ص ۳۶).

مصدر کنایی «سه پایه زدن» به عنوان یکی از ابزار محیطی مبین این پیام غیرکلامی است که از آن برای گذاشتن سر دشمنان آن هم به نشانه پیروزی و عبرت دیگران یا حتی اوج انتقام از حریف استفاده می‌کردند.

- چنان که هر روز چون از در کوشک بازگشتی، کوبه‌ای سخت بزرگ با او بودی (ص ۱۹۲).

مصدر کنایی «کوبه بزرگ با کسی بودن» مبین اقتدار و عظمت و توانایی شخص است. گفتنی است در جامعه سنتی، صاحبان قدرت سیاسی برای بزرگ نشان دادن جایگاه حکومتی خود از رمزهای ظاهری همچون به‌همراه ساختن گروه‌های نظامی و محافظتی با خود استفاده می‌کردند.

- این مرد بر مرکب چوبین نشست (ص ۲۲۷).
«مرکب چوبین» همان تابوت و یکی از اشیایی است که در طبیعت اطراف وجود دارد و نویسنده از آن برای برجسته‌سازی واقعه مرگ حسنک، به عنوان یک ارتباط غیرکلامی در نظر گرفته است. بنابراین، مصدر کنایی «بر مرکب چوبین نشستن»، مرگ طرف مقابل را تداعی می‌کند.

- و خداوند را بیايد دانست که... روزگار او [امیر ماضی] عروسی آراسته را مانست (ص ۵۵).

- روز شنبه... بین دو نماز بارانکی خرد خرد می‌بارید، چنان که زمین ترگونه می‌کرد (ص ۴۱۰).

- امیر روز آدینه دوم ربیع‌الاول سوی منجوقیان رفت به شکار و آنجا بسیار تکلف رفت و جهانی سبز و زرد و سرخ بود (ص ۴۷۷).

بر تخت پدر با شتاب و اضطراب یا حتی با خواست برخی از افراد حکومتی دانست.

شرّ آن مفسدان به پیروزی خدای، عَزَّ و جَلَّ، کفایت کردند» (ص ۱۹).

در اینجا اعداد هزار، دوهزار و ده هزار هرچند برای مفسدان نشانه فراوانی است، اینان در برابر کفایت جوانان و دلیران مسلح حکومت، به دید نمی‌آمدند.

بحث و نتیجه‌گیری

بیهقی برای طرح مؤثر تاریخ خود از زبان کلامی و غیرکلامی بهره برده است. وی برای این مقصود گاه سراغ شگردهای بلاغی رفت که در میان انواع شگردهای بلاغی، کنایه در ایجاد ارتباط غیرکلامی تأثیرگذار است. میزان کنایات به کار رفته در تاریخ بیهقی به عنوان ارتباط غیرکلامی در جدول زیر آمده است:

۹. اعداد
ارتباط غیرکلامی اعداد، نوع دیگری از مؤلفه غیرکلامی در تاریخ بیهقی است که در تقسیم‌بندی ریچموند اشاره‌ای به آن نشده است. گاهی کثرت اعداد مبین توصیف کنایی چیزی فراتر از حدّ واقعی خودش است که موجب بهت و حیرت می‌شود. کثرت اعداد گاه وصف اغراق‌آمیزی از موضوعی نیز می‌تواند باشد که مایه فضاسازی و توصیف می‌شود. در بعضی از مواقع نویسنده برای تحقیر بیگانه در برابر نیروهای خودی از رمز عددی کمک می‌گیرد. «اگر کسی اینجا آمدی و قصد فساد کردی و شوکتش هزار یا دو هزار یا کمتر و بیشتر بودی تا ده هزار، البته جوانان و دلیران ما سلاح برداشتندی تا

جدول ۱. میزان کنایات به کار رفته در تاریخ بیهقی به عنوان ارتباط غیرکلامی

مؤلفه	ظاهر فیزیکی	اشاره و حرکت	چهره و رفتار چشمی	رفتار آوایی	فضا و بوم‌پایی (قلمروجویی)	بساوایی	طبیعت و محیط اطراف	زمان	جمع
تعداد	۴۱	۱۱۱	۱۹	۵۶	۲۹	۱۱	۲۵	۵	۲۹۷
درصد	۱۳/۸۰	۳۷/۳۷	۶/۴۰	۱۸/۸۵	۹/۷۶	۳/۷۰	۸/۴۱	۱/۶۸	۱۰۰

دستاورد پژوهش ناظر بر این است بیهقی از کنایه در مؤلفه ظاهر فیزیکی به دلیل بیان مقصود، گزارش منصفانه، ذکر جوانی، موقعیت اجتماعی و...؛ در مؤلفه رفتار چشمی به دلیل زهرخنده، نگرانی، حیرت، هتک حرمت و...؛ در مؤلفه رفتار آوایی به دلیل خودنمایی، پیروزی، تمسخر، ناسزاگویی و...؛ در مؤلفه فضا و بوم‌پایی (قلمروجویی) به دلیل

علاقه، احترام، کنجکاوی از چیزی مبهم و...؛ در مؤلفه محیط و طبیعت اطراف به دلیل عبرت گرفتن، ابراز عواطف، شکرگزاری، جنگ‌جویی و...؛ در مؤلفه بساوایی به دلیل جایگاه اجتماعی، ابراز عواطف و احساسات و... سود برده است. کنایه در مؤلفه زمان به دلیل اینکه بیهقی خود را موظف به ذکر جزء به جزء و دقیق حادثه می‌دانست و سعی

- و من به خشم بازگشتم و اسب در تگ افگندم چون مدهوشی و دل‌شده‌ای (ص ۲۲۴).
«در تگ افگندن اسب» نوعی از علامت است که پیام غیرکلامی شتاب و عجله را به صورت کنایی به گیرنده پیام مخابره می‌کند.
نوع دیگری از مؤلفه غیرکلامی که در این پژوهش مطرح شد، پیام غیرکلامی اعداد است. در این رمزگذاری کارکردهای مختلف ارتباطی از جمله مبالغه و مقایسه انجام می‌گیرد.

منابع

آذرنگ، عبدالحسین (۱۳۷۱). *اطلاعات و ارتباطات*. چاپ اول. تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی.
آرژیل، مایکل (۱۳۷۸). *روانشناسی ارتباطات و حرکات بدن*. ترجمه مرجان مزجی. چاپ اول. تهران: مهتاب.
برکو، روی (۱۳۷۸). *مدیریت ارتباطات*. ترجمه محمد اعرابی. چاپ اول. تهران: دفتر پژوهش‌های فرهنگی.
بساک، حسن (زمستان و بهار ۱۳۹۴-۱۳۹۳). «تحلیل تصاویر کنایی در تاریخ بیهقی». سال اول، شماره ۳۵-۴۸.
بیهقی، محمدحسین (۱۳۸۷). *تاریخ بیهقی*. به کوشش خلیل خطیب‌رهبر (جلد اول و دوم و سوم). چاپ دوازدهم. تهران: مهتاب.
پیس، باربارا و پیس، آلن (۱۳۸۶). *چگونه با زبان بدن حرف بزنیم*. ترجمه آذر محمودی. چاپ دوم. تهران: اشاره.

کرده تا زمان حوادث را برای مخاطب خود بیان کند، از کمترین بسامد برخوردار بوده است؛ چراکه از کنایه در مؤلفه زمان برای بیان «عجله و شتاب» استفاده کرده است، اما کنایه در مؤلفه اشاره و حرکت به دلیل خشم و غضب، ترس و هزیمت، آرامش خاطر، ادب و احترام و... بالاترین بسامد را داشته است. در مؤلفه اشاره و حرکت، بیشتر رفتارهایی که نشان‌دهنده احساسات نمایشی تأثیرگذار بوده و کنایه در آن نقش داشته، اندامی بوده و فرد آن را انجام داده و به بدن او برمی‌گردد. مانند بوسه بر زمین دادن؛ درحالی‌که تعدادی از این حالت‌ها مانند «از جای شدن» درونی بوده و تعدادی هم مانند بوق و دهل زدن با وسایل انجام شده است.

در مؤلفه اشاره و حرکت، پیام غیرکلامی علامت به دلیل اینکه شخصیت‌های بزرگ درباری برای نشان دادن قدرت و اُبَهِت خود بیشتر از ارتباط غیرزبانی اشاره به جای ارتباط زبانی استفاده می‌کردند و زیردستان نیز با حرکات خود از جمله برخاستن و خم شدن، احترام خود را نسبت به این بزرگان نشان می‌دادند، بیشترین بسامد را داشته است.

با توجه به اینکه در کتاب‌های روان‌شناسی مربوط به ارتباطات غیرکلامی بیشتر به رفتارهای انسانی پرداخته‌اند و تقریباً به رفتارهای غیرانسانی بی‌توجه بودند، در تاریخ بیهقی اشاره‌ای به رفتارهای غیرانسانی در جاهای مختلف شده که حاوی پیام غیرکلامی خاصی بوده که به شکل کنایی به کار رفته است. از جمله:

- جهانگیری، نادر (۱۳۷۸). *زبان بازتاب زمان، فرهنگ و اندیشه* (مجموعه مقالات). چاپ اول. تهران: آگاه.
- حاجتی، سمیه (۱۳۸۹). *ارتباط غیرکلامی در آثار داستانی مصطفی مستور*. پایان‌نامه کارشناسی ارشد. استاد راهنما: احمد رضی. استاد مشاور: علی تسلیمی. دانشگاه گیلان.
- ده مرده، حیدرعلی و دیگران (۱۳۸۶). «کنایه لغزان-ترین موضوع در فن بیان». *نشریه دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه شهید باهنر کرمان*، شماره ۲۲.
- دیمیک، سالی (۱۳۸۵). *ارتباط موفقیت‌آمیز با NLP*. ترجمه علی اسماعیلی. چاپ دوم. تهران: شباهنگ.
- رضایی، ایرج (۱۳۸۹). «بررسی سبک شخصی فردوسی در شخصیت‌پردازی از طریق توصیفات اندامی». *مجله بهار ادب، دانشگاه فردوسی مشهد، سال سوم، شماره سوم*.
- ریچموند، ویرجینیایی و مکروسی، جیمز سی. (۱۳۸۷). *رفتار غیرکلامی در روابط میان‌فردی*. ترجمه فاطمه سادات مولوی با مقدمه غلامرضا آذری. تهران: دانژه.
- سکاکی خوارزمی، سراج‌الدین ابویعقوب یوسف بن ابوبکر محمد (۱۳۱۷ ق.). *مفتاح العلوم*. مصر:
- مطبعة ادبیه.
- فرهنگی، علی‌اکبر (۱۳۷۳). *مبانی ارتباطات انسانی*. جلد اول. چاپ اول. تهران: تایمز.
- کول، کریس (۱۳۷۷). *فهمیدن، فهماندن و ارتباط مؤثر*. ترجمه پروانه کاریا.
- گابور، دون (۱۳۸۹). *مهارت‌های گفتگو*. ترجمه مهدی قراچه داغی. چاپ هفتم. تهران: پیک بهر.
- گلی‌زاده، پروین و گرویی، رضا (۱۳۹۱). «تحلیل سبک‌شناسی تاریخ بیهقی بر مبنای ترکیبات اشتقاقی». *فصلنامه تخصصی سبک‌شناسی نظم و نثر فارسی (بهار ادب)*، سال پنجم، شماره چهارم.
- گودرزی، مجید (۱۳۸۸). *نقاشی: ارتباط غیرکلامی*. چاپ اول. تهران: عصر هنر.
- وحیدیان کامیار، تقی (زمستان ۱۳۷۵). «کنایه، نقاشی زبان». *مجله نامه فرهنگستان*. شماره ۸.
- _____ (۱۳۸۷). «هنر حکیم توس در داستان رستم و اشکبوس». *پژوهشنامه ادب غنایی*. دوره ۶. شماره ۱۰.
- وزیرنیا، سیما (۱۳۷۹). *زبان شناخت*. چاپ اول. تهران: فطره.
- وود، جولیا (۱۳۷۹). *ارتباطات میان‌فردی، روان-شناسی تعامل اجتماعی*. ترجمه مهرداد فیروزبخت. چاپ دوم. تهران: مهتاب.